توجه مفهوم آزادی سیاسی

منصور میر احمدی

آزادی سیاسی به عنوان یکی از مهمترین اقسام آزادی، تا کنون موضوع پژوهش‌های گوناگون و مباحث مختلفی در آن گرفته است. تعريف متعددی از آن وازه صورت گرفته، اقسام و مصادر آن بیان گردیده است. با این وجود، یکی از مباحث مهمی که تا کنون مورد توجه چندانی قرار گرفته، تحلیل مفهوم آزادی سیاسی است.

بیشتر نوشته‌ها و آثاری که به آزادی سیاسی پرداخته‌اند، به ارائه تعریف و بیان اقسام و مصادر آن بستگی دارند که به تحلیل مفهوم آن روی آورده‌اند.

بی‌تردید، فهم دقیق مفهوم آزادی سیاسی و اقسام آن، بدون توجه به عناصر تشکیل دهنده مفهوم آزادی سیاسی امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، ضرورت انجام دادن این تحلیل مفهومی آشکار می‌گردد. در این نوشتار، برآبنده با تجزیه و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده مفهوم آزادی سیاسی، تحلیل مختصری از مفهوم آن ارائه کنیم.

قبل از این، برخی از مهم‌ترین تعاریف ارائه شده از آزادی سیاسی را می‌رسانیم.

* حجت الاسلام و المسلمین آقای منصور میراحمدی عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی

دانشگاه باقرالعلوم(ع) و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران.
می‌کنیم:

1. منظور از آزادی سیاسی، به طور ساده عبارت است از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی از که حکومت مردمی اقتضا می‌کند. این کارها اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهای است که از طریق آنها، شهرهند بتوانند صدا خود را به گوش دیگران برسانند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشند.

در این تعیین بیشتر به فراهم بودن زمانی مشارکت مردمی در جامعه تأکید شده است؛ از این رو آزادی سیاسی در این تعیین، آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آنها مردم بتوانند در زندگی سیاسی خود تأثیر عملی داشته باشند؛ بنابراین تعیین به بیان مصادایی آزادی سیاسی ختم می‌شود.

2. آزادی‌های سیاسی، مجموعه انتخاباتی است که اهلی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه بهترین نیاز دارند. این انتخابات به صورت حقوق مدنی (حق رأی، حق داوطلبی و حق عضویت در حزبالله سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی رقابت انگاشته‌ها، آزادی انتخابات و آزادی تعیین زماداران) می‌شود.

در این تعیین نیز همان طریقی که ملاحظه می‌شود، بر عنصر مشارکت سیاسی تأکید شده است. آزادی سیاسی مجموعه انتخاباتی است که برای تحقق مشارکت سیاسی به آنها نیاز هست؛ از این رو در این تعیین نیز بیان می‌شود که مشارکت آزادی سیاسی توجه شده است.

3. آزادی سیاسی، قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن، می‌توانند حق حاکمیت داشته باشند، خواه به طور مستقیم و خواه از طریق انتخاب نمایندگان.

در این تعیین از آزادی سیاسی بر حق انتخاب و رأی مردم بر اساس حق حاکمیت آنان تاکید شده است. بنابراین در اینجا نیز توجه به یکی از مصادایی آزادی سیاسی دیده می‌شود.

4. آزادی سیاسی، به معنی این که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زماداران و مقامات سیاسی شرکت جویید و به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور نایل آن‌ها و یا در مجامع، آزادانه، عقاید و افکار
خود را به نحو مقتضی ابراز کند.

این تعريف از آزادی سياسی كه جامع تر از تعريف ديگر است و مصاديق بيشتری از آزادی سياسی را در بر می‌گیرد، اما همچنین تعريف ديگر، ناظر به مصاديق آزادی سياسی بوده و تحليل مفهوم آن را توجه به عنصر و موقفه‌های آزادی سياسی مد نظر نداشته است.

5. آزادی سياسی، آزادی فرد در صحنه سياست و به بيان گردر فقدان فشار سياسی است.

این تعريف مختصری از آزادی سياسی بر خلاف تعريف نگذشته، تا حدودی به عنصر آزادی سياسی اشاره دارد و از این رو به تحليل مفهوم آزادی سياسی نزدیک می‌شود. اما كاسپین هاپي نيز دارد كه توضيح بيشتر در اين باره خواهد آمد.

با توجه به اين كه بيشتر تعريف ارائه شده از آزادی سياسی به عنوان يک حالت و وضعیت سخن نمي‌گويند و بيشتر به مصاصيق آن توجه دارند، در اين فصل به تحليل مفهوم آزادی سياسی با توجه به عنصر و موقفه‌های آن مي‌پردازيم. قبل از آن كه به اين تحليل مفهومي پردازيم، به توضيح و بررسی يکي از ديدگاه‌هايي مي‌پردازيم كه نقل ش كرد است به‌گونه‌ای عنصر سازنده مفهوم آزادی را بیان كند، و سپس تحليل مفهومي خود را از آزادی سياسی به دست خواهیم داد.

فرانس نويسان در كتاب خود آزادی و قدرت و قانون تالاش مي‌کند عنصر سازنده مفهوم آزادی سياسی را بیان كند. وی بر اين باور است كه آزادی سياسی داراي سه عنصر اساسي كه بر اساس يک از آنها مفهوم خاصی از آزادی سياسی شكل مي‌گيرد.

عنصر اول از ديدگاه وي، "قانون" است كه مفهوم آزادی قانوني را رقم مي‌زند. وی معتقد است:

آزادی در مراتب اول و قبل از هر چيز، فقدان منع و جلوگیري است. شک نیست که این بيداشت، باييد و متأسفانه نظریه ليسابلاي درباره آزادی است و مفهوم اساسی آنچه از حقوق اساسی ارادة مي‌شود و از جهت مهم معمای آزادی قانوني به وژه
بنابراین رکن اول مفهوم آزادی سیاسی، قانون تلقی می‌شود که از فرد درباره دوامِ ملی خود به‌صورت علنی و آزاد فردِ حقوقداری را به رعایت قانون و رسم‌های اجتماعی بپردازد. این نظریه به پدایش حقوقداری و رسم‌های اجتماعی این حقوق در برابر دولت می‌انجامد.

دولت دفاع ملی وطن را دانسته و ملی، فرد به‌صورت علنی و آزاد حقوقداری را به رعایت قانون و رسم‌های اجتماعی بپردازد. این نظریه به پدایش حقوقداری و رسم‌های اجتماعی این حقوق در برابر دولت می‌انجامد.
بنابراین پیشرفت علوم طبیعی، شکل گرفتن روان‌شناختی است. این شناختی در افراد مستقل و سازگار بین‌النگینی می‌باشد و از طریق موثر در مبارزات قدرت و توانایی در مبارزات به آزادی می‌رسد. اگر یک انسان از این شناخت باشد، می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایمن باشد. این انسان می‌تواند به اطمینان در مبارزات این آزادی ایم
سیاسی را به حداکثر می‌رساند، از این برداشت از آزادی نشأت گرفته است:
نظرهای که می‌گوید دموکراتیک آن چنان نظامی در سیاست است که آزادی
سیاسی را به حداکثر می‌رساند از همه بینش سرچشمه می‌گیرد. رکن ارادي یا
کنش خواهانه آزادی همان قدر از جهت قوام آزادی سیاسی واجب است که در
رکن قانونی و شناختی... در نظام دموکراتیک به هر سه رکن مفهوم آزادی سیاسی
فرضت عرض انداز داده می‌شود.

بر این اساس، وی نتیجه می‌گیرد که آثار نظام دموکراتیک به این سه رکن
یستگی دارد: نخست، عملکرد مؤثر حکومت قانونی دوم، وجود انعطاف و نرمی
لزوم برای رویارویی و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات نازه و سوم، تریبیت
شهرندان. ۱۴ این سه رکن، باعث شکل‌گیری سه رکن قانونی، شناختی و ارادي
آزادی سیاسی می‌گردد و جمع این سه رکن در یک نظام سیاسی باعث ثبات آن
نظام می‌گردد.

نکته اساسی که در بررسی این دیدگاه می‌توان گفت، این است که این دیدگاه
پیش و پیش از آن که تحلیل بر عنصر مفهومی آزادی سیاسی باش، بیانگر سیر
تحول و تطور مفهومی است که در آزادی سیاسی صورت گرفته است. از این
دیدگاه، از آزادی سیاسی نخست برداشتی حقوقی- قانونی صورت گرفته بود ولذا
در تعیین آزادی سیاسی نیز چنین برداشتی ارائه می‌گردد. دغدغه اصلی
طرفداران این برداشت حفاظت از حقوق شهرندان در برابر دولت و حکومت بوده
و از آن جا که «قانون» ضمانت معطوف به این حفاظت محسوب می‌شده، از
آزادی سیاسی به آزادی قانونی تغییر می‌شده است. برداشت دیگر از آزادی
سیاسی در مرحله دوم، متفاوت نگرش معرفتی - شناختی است که در نتیجه آن
آزادی در فهم ضرورت تاریخ تعبیر شده است. این برداشت در واقع محصول تلاش
فکری است که از روسو آغاز شده و به هگل و مارکس ختم شده است. دغدغه
اصلی طرفداران این برداشت «رابطه فرد و جامعه» و یا «فرد و دولت» بوده است.
روسو آغازگر راهی است که به جمع این رابطه و حل این مشکل با طرح مقوله
اساسی اراده عمومی» خود می‌پردند و هگال ختم کننده این راه است که با جمع عینی و ذهنی و از بین بردن ثبوت مذکور براساس روشهای دیالکتیک فرد، آزادی را در قابل دوچرخه و در درون آن معنا می‌کند. نتایج این از آزادی سیاسی در این دوران برداشتی دیگر شکل می‌گیرد و در نهایت برداشت سومی از آزادی سیاسی شکل می‌گیرد همان‌گونه که در آن ارداده انسانی و نقش آن در شکل‌گیری آزادی سیاسی بررسی می‌گردد. این برداشت از آزادی سیاسی در عکس عمل به دیدگاه دوم و در نهایت چنین شده، شکل گرفته است.

بنابراین آنچه که این دیدگاه بیان می‌کند، در واقع تعداد برداشت‌هایی است که از آزادی سیاسی دوره‌های مختلف صورت گرفته است: اما این که این آزادی سیاسی دارای چه مفهومی است و مؤلفه‌ها و عناصری سازنده آن چیست، از این دیدگاه به دست نمی‌آید. در نتیجه می‌توان گفت که سه رکن ذکر شده در واقع در اثر توجه خاصی است که هر یک از این سه برداشت به آن رکن داشته‌اند.

اکنون با توجه به تعاریف ذکر شده و نارضایی آنها در تبیین عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آزادی سیاسی و نیز عناصری به ناکافی بودن تحلیل مفهومی فراتر نویسند. در ادامه بیان ارائه تحلیل مختصری از مؤلفه‌های آزادی سیاسی می‌پردازیم.

عناصر و مؤلفه‌های آزادی سیاسی

آزادی سیاسی نیز همچون آزادی، دارای مفهوم واحده‌ای بوده که در برگیرندگان عناصر و مؤلفه‌های این است و تأکید بر این مؤلفه‌ها باعث شکل‌گیری برداشت‌های مختلفی از آن شده است. از این دیدگاه، همان‌گونه که آزادی دارای سه مؤلفه فاعل (عامل)، معنی (رای) و هدف (غاپ) است، آزادی سیاسی نیز این سه مؤلفه را داراست. هر کالا در تبیین مفهوم آزادی با ایجاد تایید میان «مفهوم» و «برداشت» بر این باور است که آزادی دارای مفهوم واحد و برداشت‌های

* Macallum
* Concept
* Conception
متعادل است و این گونه بیان می‌کند:

\[ X \text{ is free from } Y \text{ to do or be } Z \]

\[ \text{روهایی و آزادی چیزی و یا کسی از چیزی یا مانعی بر انجام دادن چیزی و یا} \]
\[ \text{برخوردی از آن چیزی. بر اساس این دیدگاه، برداشت‌های متغیر از آزادی در} \]
\[ \text{واقعیت تفاوت و تعداد برداشت‌ها از سه متغیر } X \text{ (فاعل، عامل)، } Y \text{ (مانع، رادع)} \]
\[ \text{و } Z \text{ (هدف، غایت) در این مدل است.} \]

جان رالن نیز به تعیین مک‌کالوم در این باره می‌نویسد:

آزادی را می‌توان همواره با ارجاع به سه مؤلفه توضیح داد: فاعلین (عاملین)، که

آزاد هستند، موانع یا محدودیت‌هایی که آن فاعلین نسبت به آنها آزادند و آنچه

که آن فاعلین در انجام دادن یا ندادن آنها آزاد هستند. تبلیغ‌های کاملاً از آزادی

اطلاعات متناسبی را درباره این سه مؤلفه ارائه می‌کنند.

روی با بسط الگوری مک کالوم و توضیح آن، معقد است توصیف کلی آزادی،

شکل زیر را دارا خواهد بود:

این یا آن شخص (با شخص) آزاد هست (با آزاد نیست) از این یا آن مانع (با

مجموعه‌ای از موانع) برای انجام دادن (با انجام ندادن) چنین و چنین.

البته همان طوری که ملاحظه می‌شود، جان رالن به یکشی از الگوری مک کالوم

توجه نکرده است که عبارت «\text{to be } Z\text{» است. در عنصر \text{علامه بر انجام دادن عمل،}}

برخوردی از یک چیز نیز وجود دارد، بنابراین شرخی آزاد است از این

دادن یا برخورد بودن از چیزی. در این مقاله در تحلیل مفهوم آزادی سیاسی از این

الگو به خواهیم گرفت، بر اساس این الگو برآمی‌با تعمیم آن از بحث مفهوم آزادی

به بحث مفهوم آزادی سیاسی، به تحلیل مفهوم آزادی سیاسی به‌داریم. گمان

نگارنده بر این است که می‌توان به چنین تعمیمی خطر کرد. بر این اساس، مؤلفه‌ها و

عناصر مفهوم آزادی سیاسی عبارتند از:
افتاً (فاعل)

اوّلین عنصر و مؤلفه اساسی آزادی سیاسی، فاعّل یا عاملی است که در عرصه سیاست و اجتماع زندگی می‌کند. تا این عنصر وجود نداشته باشد نمی‌توان آزادی سیاسی را تصویر کرد. این متغیر همان عامل X در الگوی مک کالوم است که دارندوی آزادی یا فاقد آن است. آزادی سیاسی نیز وصف و حالتی است که وجود یا عدم آن را می‌توان به یک عامل (فاعل) نسبت داد. این عنصر خود می‌تواند در زندگی سیاسی به سه دسته تقسیم شود: ۱. اشخاص یا شخص؛ ۲. مؤسسات و تحقیق‌های سیاسی؛ ۳. دولت‌ها.

گاهی اوقات شخص یا اشخاص در صدد انجام عمل و رفتار سیاسی در جامعه سیاسی بر می‌آیند که در این صورت فاعّل و عنصر X. اشخاص می‌باشند. گاهی اوقات مؤسسات و تحقیق‌های دنبال انجام عمل و رفتار سیاسی در آن جامعه‌اند که در این صورت فاعّل و عنصر X یا باید این مؤسسات دانست و بالاخره گاهی اوقات دولت‌ها هستند که به انجام عمل و رفتار سیاسی می‌پردازند که در این صورت فاعّل و عنصر X یا باید دولت‌ها تلقی کرد.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا آزادی سیاسی وصف و حالتی است که در مورد تمامی این سه دسته فاعّل (عامل) به کار می‌رود؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان گفت که دولت‌ها و مؤسسات سیاسی نیز همانند اشخاص می‌توانند آزادی سیاسی برخودار باشند؟ به نظر می‌رسد که نتوان چنین تعمیم‌یابی را در مفهوم آزادی سیاسی پذیرفت. آزادی سیاسی در یک جامعه در نسبت فرد با دولت و جامعه سیاسی شکل می‌گیرد و دارندوی آزادی یا فاقد آن وصف در هر صورت فرد است نه دولت. توان انجام دادن عمل و رفتار سیاسی برای دولت نشان گرفته از قدرت و اقتدار بر آمده از مشروطیت سیاسی اوست نه آزادی سیاسی؛ اما در مورد

* Agant
* * * person(s)
* * * * Political institutions or Associations
* * * * * States
عبارت دیگر، آیا می‌توان عنصر دوم مفهوم آزادی سیاسی را هر یک از این سه دسته دانست؟ به عبارت سوم، آیا رابطه اشخاص با مؤسسه به عنوان عنصر اول، با هر یک از این سه دسته عنصر دوم باعث شکل‌گیری مفهوم آزادی سیاسی می‌گردد؟ در اینجا نیز به نظر می‌رسد که نتوان چنین تعمیمی را پذیرفت. گر اگر عنصر مانع یک اشخاص بدون نیست، در این صورت، می‌توان از وجود این فعدان آزادی فردی سخن گفت. اما این آزادی، آزادی سیاسی نخواهد بود. اگر شرایط بی‌معنی اشخاص مانع انجام دادن فعالیت و رفتار سیاسی شخصی، یا اشخاص دیگر شوند، در صورتی که آن شخص (مانع) هیچ‌گونه انتسابی به قدرت سیاسی و دولت در جامعه نداشته باشد، نمی‌توان این حال را فقدان آزادی سیاسی ذکر کرد. در این حالت که می‌توان آن را فقدان آزادی فردی نام نهاد، به همین سان نمی‌توان آزادی سیاسی را از شخصی یا اشخاص یا تک شکل‌ها در یکی از این اشخاص دانست که اگر اشخاص مانع فعالیت و عمل سیاسی اشخاص دیگر شوند توانایی که آزادی سیاسی وجود دارد باز نمود. درسته اول از زمینه عنصر مفهوم آزادی سیاسی خارج می‌شوند. دسته دوم (تشکل‌ها) نیز از آن جاک به جریان عمومی و نه دولت تعلق دارد، و هر فاصل میان فرد و دولت به منزله خشکی از جامعه مدنی عمل می‌کند. این در این عنصر خواهد بود؛ اما از آن جاک این تک نشکل نیز می‌توانند همچون دولت‌ها مانع انجام رفتارهای سیاسی افراد گردند. می‌توان آنها را نیز در زمره عنصر دوم قرار داد و به این لحاظ نشک افراد نیز در شکل‌گیری این عنصر قابل ذکر است؛ اما چون دولت‌ها فرد غالب در عنصر دوم محسوب می‌شوند. در اینجا نوشتن بر دولت‌ها به عنوان عنصر دوم تأکید می‌شود. البته ایده‌های مختلف توسط دولت خود با استفاده از آبرویی مختلف و در نتیجه به گونه‌ای مختلفی خواهد بود. دولت‌ها از مکانیزم‌های خاصی برای ایجاد مانع و یا محدودیت استفاده می‌کنند که در یک تقسمیم بنیادی کلی می‌توان این مکانیزم‌ها را به دو دسته کلی تقسمیم کرد:

1. مکانیزم‌های مشروط

عمل حاکمیت توسط حکومت با مکانیزم‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که از
آن جاکه اعمال حاکمیت حق حکومت و مشروع بوده، این مکانیزم‌ها نیز مشروعیت می‌بایند. یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های مشروع، قانون است. حکومت‌ها با وضع قانون و اجرا آن می‌توانند در برابر اشخاص و تشکیلات ممنوعیت و محدودیت‌هایی را ایجاد کنند. علاوه بر وضع قانون و اجرا آن، یکی دیگر از شیوه‌های اعمال حاکمیت، در فعالیت‌های قضایی حکومت تحقیق می‌باید. بنابراین حکومت‌ها از سه شیوه را رایج قانون‌گذاری، اجرا قانون و قضاوت، برای اعمال حاکمیت خود بهره می‌گیرند و با تکیه بر آنها به کنترل آزادی سیاسی شهروندان و تشکیلات می‌پردازند؛ بنابراین هر چند که در ظاهر این مکانیزم‌ها مانع و رادع محسوب می‌شوند؛ اما از آن جا که حکومت‌ها قانون‌گذار، مجری قانون و داورند، می‌توان مانع و رادع را در واقع خود دولت‌ها دانست.

2. مکانیزم‌های مشروع

گاهی اوقات حکومت‌ها علاوه بر به کارگیری مکانیزم‌های مشروع، از مکانیزم‌های نامشروع نیز در اعمال حاکمیت بهره می‌گیرند. مهم‌ترین مکانیزم نامشروع به کارگیری زور و حضور در جامعه است. حکومت‌ها با استفاده از نیروی زور و حضور، به عنوان مانعی اساسی در بر ای شهروندان و تشکیلات سیاسی قرار می‌گیرند و آزادی سیاسی آنها را محدود می‌کنند. هر چند که به کارگیری زور و حضور و ایجاد مانع با ابراز و خوشبختی شود، اما روشی است که اجباز و زور نیز ابزاری است در دست دولت‌ها و حکومت‌ها و در نتیجه مانع و رادع را باید دولت دانست.

نکته دیگری که تذکر آن لازم به نظر می‌رسد، این است که علاوه بر «دولت» به عنوان مهم‌ترین مصداق عنصر دوم (مانع)، مصادیق دیگری نیز می‌توانند ذکر کرد. گاهی اوقات چنین در برابر موانعی همچون فشارهای ناشی از موقعیت خاص
صاحبیت اجتماعی خود، و نابرازی‌های موجود در جامعه، و یا فراموش نیویستی

 فرصت‌های لازم و یا سنت‌ها و آداب و رسوم موجود در جامعه قرار می‌گیرد؛

 آزادی سیاسی زمانی تحقق می‌یابد که فرد از موانع مذکور نیز آزاد و رها باشد. هر

 چند که این موانع نسبت به مانع، دولت از اهمیت زیادی برخوردار نیست، اما در

 بحث آزادی سیاسی به ویژه مفهوم مثبت آن بر طبق دیدگاه آزیبایریلین، قابل طرح

 است؛ از این رو علایه بر دولت‌ها، موانع مذکور را نیز می‌توان در زمره مصادیق

 عنصر دوم (مانع /7) قرار داد، اما از آن جاکه فرد غالب این مصادیق دولت است،

 در نوشته حاضر بیشتر بِر آن تأکید می‌شود.

 (ج) هدف‌گذاری

 عنصر سوم مفهوم آزادی در الگوی مک کالون عبارت بود از هدف و غایتی که

 فرد در صدد انجام دادن آن و یا برخورداری از آن است. به همین معانی،

 می‌توان عنصر سوم مفهوم آزادی سیاسی را نیز هدف و غایتی دانست که فاعل

 (عامل) در صدد انجام دادن آن است. اهداف و غایات در جامعه سیاسی متعدد

 می‌باشد و اعمال گوناگونی را در بر می‌گیرد. شاگرد بتوان افعال و رفتارهای اشخاص

 را در جامعه در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته تقسیم کرد:

 1. رفتارهای فردی; 2. رفتارهای اجتماعی - سیاسی.

 رفتارهای فردی، رفتارهایی محسوب می‌شود که فرد با انجام دادن آن‌ها در صدد

 مشاوره و دخالت در امور اجتماعی - سیاسی ندارد. رفتارهای فردی بر اساس

 نیازهای فردی شکل می‌گیرد و ربطی به نیازهای سیاسی ندارد؛ بنا برای منظر از

 هدف و غایت در این الگو را نمی‌توان رفتارهای فردی دانست. بلکه رفتارهای

 اجتماعی - سیاسی، تشکیل دهنده عنصر سوم مفهوم آزادی سیاسی محسوب

 می‌شوند. اشخاص و تشکیل‌های زمانی که در صدد انجام دادن رفتارهای سیاسی


* Aim - Goal
* * to de Z
* * * to be Z
* * * * * Individual behaviours
* * * * * * Social / Political behaviours
برآندره، با وجود و یا فقدان آزادی سیاسی رو به روز می‌گردد. هدف و ضریب آنان از حضور در عرصه سیاست و اجتماع، انسجام دادن رفتارهای سیاسی خاصی بر اساس نیازهای خاص سیاسی خود است؛ بنابراین روشنی می‌شود که یکی از مصداق عناصر سوم مفهوم آزادی سیاسی را می‌توان «رفتارهای اجتماعی - سیاسی» دانست. اشخاص یا تشکل‌ها در صورتی که برای انجام دادن رفتارهای سیاسی خود از دخالت و محدودیت‌های دولت‌ها می‌باشند، دارای آزادی سیاسی خواهند بود.

علاوه بر این، گاهی اوقات افراد و تشکل‌ها در صدد انجام دادن اعمال و رفتارهای سیاسی نیستند. صرفاً خواهان وضعیت و حالتی هستند که دولتهای در امور آنها دخالت نکرده و اجازه دهند که افراد و تشکل‌ها در وضعیتی آزاد به سر برده، از حقوق اساسی خود برخوردار باشند؛ برای مثال حق انتخاب شدن را دارا هستند؛ از این رو، اگر دولت‌ها شرایط لازم برای استیفاده این حق را فراهم سازند، آن وقت می‌توان گفت که افراد دارای آزادی سیاسی هستند. در نتیجه می‌توان گفت که براساس این اگهی، عنصر عامل می‌تواند از عنصر منبع رها و آزاد باشد در این که یک‌پاره عنصر غایت و هدف را دارا به دست. مثال دیگر در این باره، آزادی از تغییر عقاید است. فرد خواهان آن است که عقاید و باورها و موردهای تغییر قرار نگیرد. هرچند که هیچ گونه رفتار خاصی را از دست خود بروز نمی‌دهد. بنابراین عنصر غایت و هدف می‌توانند هم شامل رفتارهای سیاسی افراد و تشکل‌ها شوند و هم دارا بودن و بر خودداری از حقوق اساسی و وضعیت و حالت خاص آزادی.

با توجه به آنچه که به اختصار گذشته، اگر مفهوم آزادی سیاسی بر اساس انسجام، شخص (اشخاص) یا تشکل‌ها آزاد هستند (با آزاد نیستند) از دخالت و ممنوعت دولت‌های با کارکردی قوانین و ابزارهای خشونت‌برای انجام دادن (با انجام ندادن) رفتارهای سیاسی خود با برخورداری (با عدم برخورداری) از حقوق خود.
نمودار این الگو نیز چنین ترسره می‌شود:


 بر اساس این الگو، شرکت و تشکیل‌ها عنصر X (عامل، فاعل) و دولت‌ها عنصر Y (مانند رادی) و انجام دادن رفتارهای سیاسی و برخورداری از حقوق اساسی عنصر Z (هدف، غایت) محاسبه می‌شوند؛ از این رو با توجه به این تحلیل مفهومی می‌توان آزادی سیاسی را این گونه تعیین کرد:

فکر دخالت و ممانعت دولت‌ها (به طور غایب) در برابر اشخاص یا تشکیل‌های سیاسی در جامعه به منظور انجام رفتارهای سیاسی خاص خود، یا برخورداری از حقوق اساسی، همان طور که روشی است، این تعیین از آزادی سیاسی بر اساس تحلیل مفهومی عنصر و مؤلفه‌های آزادی سیاسی بوده و بنابراین به ذکر مصداقی آن اکتفا نکرده است.

با توجه به این تعیین و عناصر آن، مهم ترین مصداقی آزادی سیاسی را نیز بیان کرد. این اقسام بلی از هر چیز بر اساس نوع خاصی از رفتار سیاسی و حق اساسی است که به عنوان هدف و غایت توسط اشخاص و تشکیل‌ها شکل گرفته و خواهان برخورداری از آن هستند. بدین سیان می‌باید اصل در تفسیر آزادی سیاسی به‌گونه‌ای اشاره و گرفتن نوع مختلف، نوع رفتار سیاسی اشخاص و تشکیل‌های سیاسی و حق اساسی مطلوب افراد و تشکیل‌ها است.

آزادی سیاسی زیستی را می‌توان از جهات گوناگون تقسیم گرد که از آن جمله است:

1. تفسیر آزادی سیاسی بر اساس نوع رفتارهای سیاسی

رفتارهای سیاسی در جامعه تفاوت است و بر اساس آن آزادی‌های سیاسی شکل گرفته نیز متفاوت خواهند بود. در این جا باید روش‌های جدید مصداقی آزادی
سیاسی و نحوه شکل‌گیری آنها، اقسام رفتارهای سیاسی را ذکر کرده و نوع آزادی سیاسی شکل گرفته را بیان می‌کند:

1) انتخاب حاکم و وجود: انتخاب حاکم و زمامدار مهم‌ترین رفتار سیاسی است که مردم در یک جامعه انجام می‌دهند. بر این اساس، آزادی و حق انتخاب به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی سیاسی شکل می‌گیرد. اعضای در انتخاب حاکم (رفتار سیاسی) اگر با مانعی رو به رو نباشند، دارای آزادی سیاسی خواهند بود;

بنابراین اگر یک حاکم یکی از رفتارهای سیاسی انتخاب حاکم عنصر سوم مفهوم آزادی است، در نتیجه یک قسم از آزادی سیاسی بندی‌سان‌شکل می‌گیرد.

2) تعبیر سرمایش و شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری: یکی دیگر از رفتارهای سیاسی، مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی است. مردم در یک جامعه به منظور تعبیر سرمایش خود به مشارکت در امر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌پردازند.

این رفتار سیاسی موجب شکل‌گیری نوع خاصی از آزادی سیاسی می‌شود که از آن به آزادی رأی نیز تعیین می‌شود؛ بنابراین آزادی رأی از مصادیق دیگر آزادی سیاسی است که بر اساس رفتار سیاسی خاصی شکل می‌گیرد؛ البته می‌توان آزادی رأی را با آزادی به عنوان حق انتخاب جمع کرده و یک دو دید بر رفتار سیاسی خاصی قرار داد؛ اما به دلیل اهمیت این دو مدل در ایران جا به تفکیک آنها پرداختیم.

3) تأثیرگذاری و تصمیمات و عملکرد های دولت و دولتمردان: مردم در یک جامعه در برابر تصمیمات و عملکرد دولت و دولتمردان عکس عمل‌هایی از خود نشان می‌دهند. این عکس عمل‌هایی که به طور کلی یا از نمایه‌های مختلف و به‌طور انتخابی، همگرا یا وارون این مردم و دولت را رابطه که از جمله مهم‌ترین رفتارهای سیاسی مردم در جامعه محصول می‌شوند. همان‌گونه که سیاست‌ها و رفتارهای دولت و دولتمردان بر رفتارهای سیاسی مردم تأثیر می‌گذارد، رفتارهای مردم نیز در این سیاست‌ها و رفتارهای دولت اثرگذار است.

مردم از راه‌ها و شیوه‌های گوناگونی به این تأثیرگذاری می‌پردازند که یکی از
مهم ترین این راهها، اظهار دیدگاه‌های خود در این باره است؛ بنابراین اظهار دیدگاه‌ها و نظرها توسط مردم نیز یکی از رفتارهای سیاسی آنها محسوب می‌شوند که در نتیجه باعث شکل‌گیری نوعی دیگر از اقسام آزادی سیاسی می‌شود که از آن به آزادی بینان و قلم تعبیر می‌شود. حق انتشار دیدگاه‌ها در کلمات آزادی بیان و در نوشتن آزادی قلم و مطبوعات نام می‌گیرد.

۲) رقابتهای سیاسی: رقابت سیاسی نیز یکی از رفتارهای سیاسی رایج در یک جامعه محسوب می‌شود. مردم در یک جامعه برای رسیدن به قدرت و نیل به مناصب سیاسی - اجتماعی، با هم وابسته خود به رقابت می‌پردازند. رقابت سیاسی به شیوه‌ها گوناگون و از موارد مختلف ممکن است شکل گیرد. یکی از مهم‌ترین ماجرا این رقابت‌ها که تأثیر زیادی داشته و در رسیدن به اهداف موفقیت زیادی دارد، تشکیل اجتماعات و انگیزه‌های سیاسی. مردم با تشکیل چنین اجتماعاتی آسان‌تر می‌توانند به اهداف خود ناپدید آند؛ البته تشکیل این اجتماعات صرفه بی‌منظور رقابت سیاسی نمی‌باشد، بلکه مهم‌ترین رقابت سیاسی در دولت این اجتماعات را می‌توان رقابت سیاسی برای نیل به اهداف و همچنین رسیدن به قدرت دانست. زمانی که این شکل‌ها به طور منسجم‌تر و قدرتمندتری شکل گیرند، شاهد شکل‌گیری احزاب در این جامعه خواهیم بود و در نتیجه رقابت سیاسی در دولت احزاب نیز از انسجام و قدرت و توان بیشتری برخورد دار خواهیم بود. بدين سان نوع دیگری از آزادی سیاسی شکل می‌گیرد که از آن به آزادی احزاب، انگیزه‌ها و تشکیل اجتماعات باد می‌شود. آزادی سیاسی مذاکر در صورتی تحقق می‌یابد که دولت‌ها مانع تشکیل مجدد نشده، ثانیاً اجازه فعالیت سیاسی به تشکیل‌ها را به دهد. بنابراین همان طور که ملاحظه می‌شود، می‌توان شکل‌گیری انواع و مصادیق آزادی سیاسی را بر اساس نوع رفتار سیاسی به عنوان عنصر سوم، مفهوم آزادی سیاسی، تبیین کرد.

۳) تقسیم‌آوری آزادی سیاسی بر اساس حقوق اساسی اشخاص و تشکیلات انسان‌ها دارای حقوق اساسی متعددی هستند که برخورد کردن آنها هدف
آزادی نظریه‌ای در زمینه سیاسی مربوط به حق رأی است. بر اساس نوع حق سیاسی، آزادی سیاسی نیز تقسیم می‌شود که در اینجا به بخش‌های مرتبط از مصادر آن اشاره می‌شود:

1) آزادی و حق انتخاب نشانید که فرد در گروه‌های از این حق اساسی برخوردار است. به‌طور کلی، آزادی خود را در معرض انتخاب مردم را می‌گذشت و انتخاب شود. بر این اساس، در پایه شرایط و وضعیت سیاسی اجتماعی که گونه‌ای باشد که فرد بتواند از این حق اساسی خود برخوردار گردد. همانطوری که ملاحظه می‌شود، در اینجا فرد، لزوماً رفتار سیاسی خاصی را انجام نمی‌دهد، اما باید از دخالت دولت در این زمینه نیز آزاد باشد.

2) آزادی از تفییض عقاید: فرد ممکن است هیچ‌گونه رفتار خاص سیاسی هم انجام ندهد، اما از حقوق اساسی وی داشته عقاید و باورهای خاص خود است و بنابراین باید شرایط برای اتخاذ عقاید و دیدگاه‌های خاص وجود داشته و دولت در مورد رفتاری که پایین‌تر از اعمال را تکیه‌گذاری می‌کند.

مطلب دیگری که باید به آن اشاره کرد بررسی چگونگی تأثیر تعیین برداشت‌ها از مؤلفه‌های سه‌گانه آزادی سیاسی در گزینه برداشت‌های متناقض از آزادی سیاسی است. در بررسی دیدگاه فرانسیس نویمان نمی‌گهی شک که آزادی قانونی، شناختی و ارادي بین‌گیری برداشت‌های خاصی از آزادی سیاسی هستند. نه عنصر مفهومی آن. عنصر مفهومی آزادی در این برداشت‌ها نیز همین سه عنصر فاعل (عامل) مانع راده و هدف (غاپ) است که بیان گردید؛ از این رو به نظر می‌رسد که شامل گزینه برداشت‌های سه‌گانه مذکور به دلیل توجه خاصی است که به‌ویک این عنصر صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر، تعیین برداشت‌ها از عنصر مذکور موجب پیدایی تعیین برداشت‌ها از مفهوم آزادی سیاسی شده است. برای روشن شدن این نکته اساسی، به توضیح مختصری درباره نحوه تأثیر گذاری تعیین برداشت‌ها از مؤلفه‌ها بر تعیین برداشت‌ها از آزادی سیاسی می‌پردازیم. "آزادی قانونی" نخستین برداشتی بود که به اعتقاد نویمان بررسی رکن قانونی شکل گرفته است. اگر در این برداشت خاص به دقت بتگریم، خواهیم دید که
طرفداران آن بر این باورند که فرد به عنوان مهم‌ترین مصداق مؤلفه عامل (فاعل)
برای انجام دادن رفتارهای سیاسی به عنوان مهم‌ترین مصداق مؤلفه غایت (هدف)
با مانعی مهم به نام دولت (مؤلفه سوم) ره به روست؛ از این رو حفاظت از حقوق
اساسی فرد در برابر دولت نیازمند تدوین قانون است. قانون از حقوق فرد در برابر
دولت دفاع می‌کند و بدين سان آزادی سیاسی در مفهوم حقوقی و قانونی اش شکل
می‌گیرد؛ بنابراین روشین می‌شود که نحوه تعبیر طرفداران این برداشت از مؤلفه‌های
آزادی سیاسی و نحوه ارتباط این مؤلفه‌ها به یکدیگر موجب شکل‌گیری این گونه از
آزادی سیاسی شده است.

این مطلب درباره برداشت دوم نیز صدق می‌کند: «آزادی شناختی دومین
گونهای است که به نظر نیرویان بر اساس رکن شناختی آزادی شکل گرفته است. در
این گونه نیز اگر دقت کنیم، تأثیر گذاری مذکور را مشاهده خواهیم کرد. در این
برداشت نیز مفهوم آزادی سیاسی تشكل شده از سه عنصر فاعل (عامل)، مانع
(ردع) و هدف (غایت) است. همان‌طور که در این نکته توجه کردیم بر اساس برداشت
طرفداران این دیدگاه، «دولت» مانع اصلی شناختی شد، بنابراین دولت خود باری
رسانده فرد در رضی‌سدن به آزادی سیاسی است. در عوض، از این دیدگاه ما جای به
ضرورت تاریخی مانع اساسی شکل‌گیری آزادی سیاسی برای فرد است. به همین
دلیل، فرد با آگاهی یافتن از این ضرورت تاریخی است که در دوران دولت به آزادی
واقعی خود تبعیت آزادی شناختی نسبت می‌گیرد؛ بنابراین در این دیدگاه دیگر دولت
مانع قلمداد نمی‌گردد، بلکه جهت انسان به این فرآیند تاریخی مانع اساسی
محصول می‌شود. از سوی دیگر، هدف از این آزادی نیز نه انجام دادن رفتارهای
سیاسی بلکه حصول شناخت، معرفت و آگاهی به وظایف است. درنتیجه در این
برداشت نیز می‌توان گفت که برداشت خاصی که از این سه مؤلفه شکل گرفته،
باعث شکل‌گیری این برداشت از آزادی سیاسی یعنی آزادی شناختی شده است;
بنابراین تأثیر گذاری تعدد برداشت‌ها از این مؤلفه‌ها بر تعدد برداشت‌ها از آزادی
سیاسی برای باری دیگر در این قرنات نیز آشکار می‌شود.
مصاديق آن پرداخته شده است. سپس دیدگاه فرانتس نویمان درباره عناصر سه‌گانه آزادی سیاسی را بررسی کرده و نارسایی تحلیل وی را نیز نمایان ساخته است. وی نیز در واقع به جای تحلیل مفهوم آزادی سیاسی به برداشت‌های مختلف آزادی سیاسی در دوره‌های مختلف پرداخت بود. آزادی قانونی، آزادی شناختی و آزادی ارادی، سه برداشتی هستند که از آزادی سیاسی صورت گرفته است. در تبیین علت و چگونگی شکل‌گیری این برداشت، گفته شد که ناوت و تعادل برداشت‌ها از مولفه‌های سه‌گانه آزادی سیاسی باعث شکل‌گیری این سه برداشت شده است. در نهایت تلاش کردیم با استفاده از الگوی نظری مک کالوم که در صفحات آغازین مقاله به تفصیل بیان شد، به ارائه الگوی درباره آزادی سیاسی پرداخته، مولفه‌های سه‌گانه آن را بیان کنیم. در این تحلیل، «اشخاص و تشكل‌های سیاسی» به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های اول (عامل، فاعل) و «دولت» به عنوان مهم‌ترین مولفه دوم (فاعل، رادع) و «انجام دادن رفتارهای سیاسی» و «برخورداری از حقوق اساسی» به عنوان مهم‌ترین مولفه سوم (هدف، غایت) تلقی شدند. بر اساس این الگو، آزادی سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که اشخاص و تشكل‌های سیاسی در انجام رفتارهای سیاسی مطلوب خود و برخورداری از حقوق اساسی خود از محدودیتهای موانعی که دولت‌ها می‌پذیرد در مواجه با او ایجاد کنند، رها و آزاد باشند.
یک نوشته‌ها

1- کاز کوهن، دموکراسی، ترجمه دریبرز مجدی (تهران: انتشارات خوارزمی) ص 184.
2- سید محمد هاشمي، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: دانشگاه تهران، ج 1) ص 169.
3- محمد جعفر جوهری-نکوودی، ترمینولوژی حقوق (تهران: پیام رسانا، 1363) ص 31.
4- منوچهر طباطبایی، های مص威尔ی و حقوق بشر (تهران: دانشگاه تهران، 1375) ص 96.
5- مهدی منظری قاسم، آزادی سیاسی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دوم، شماره اول، ص 101.
6- فرانتس نویمان، آزادی و قانون، ترجمه غرب الله فولادوند، ص 68-69.
7- همان، ص 69.
8- همان، ص 75.
9- همان، ص 98.
10- همان، ص 100-101.
11- همان.
12- همان.
13- همان.
14- همان.


تیم گری، آزادی، چاپ انسانیت، نیو اتلانتیک ان، نیو هایاگ، 1991، صفحات 11-14.

نگارنده به طور مفصل الگوی نظری و نیز دیدگاه‌های دیگری را در این مورد بررسی کرده است. برای توضیح بشردر این زمینه بیگیمی به منصور مهر‌احمدی: آزادی در قلم Российской اسلام، پژوهشکده اخلاقیه

17. This or that person (or persons) is Free (or not Free) From this or that constraint (or set of constraints) to do (or not to do) so and so (Ibid).

18. این مقاله، فصل مجزایی از پژوهشی است با عنوان «آزادی در فلسفه سیاسی اسلام» که تخصص دارد در پژوهشکده اندیشه سیاسی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) به امام رضا(ع) این مقاله را ارسال نموده است.